

بررسی عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ مشارکت دانش آموزان با پلیس در ارتقای امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان چهارمحال و بختیاری)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۲۷

حجت الله مرادی پردنجانی^۱، حسن رضا رفیعی^۲، حمیدرضا سعیدزاده^۳، عباس

رییسی سرشنیزی^۴

از صفحه ۲۵ تا ۴۶

چکیده

زمینه و هدف: مشارکت در حفظ، ایجاد و گسترش نظم و امنیت اجتماعی از اهداف پلیس بوده که باید برنامه‌ریزی صحیحی برای آن انجام دهد. هدف این مقاله، مطالعه و بررسی عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ مشارکت دانش‌آموزان با پلیس در ارتقای امنیت اجتماعی می‌باشد.

روش‌شناسی: تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از پرسشنامه‌ای که روایی آن مورد تأیید قرار گرفته، استفاده شده است. جامعه تحقیق را کلیه دانش‌آموزان استان چهارمحال و بختیاری تشکیل می‌دهند که از میان آنها تعداد ۲۱۰ نفر با روش چند مرحله‌ای انتخاب و داده‌های به دست آمده نیز با استفاده از روش‌های آماری همبستگی و رگرسیون، تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌ها: براساس یافته‌های تحقیق، ۳۰/۸۰ درصد از تغییرات مربوط به فرهنگ مشارکت دانش‌آموزان با پلیس با متغیرهای سابقه مشارکتی، انگیزه دانش‌آموزان جهت مشارکت، احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان، احترام دانش‌آموزان به عوامل پلیس، مطالبات دانش‌آموزان از پلیس، تمایل دانش‌آموزان به شغل پلیس، احساس تعلق دانش‌آموزان و تمایل دانش‌آموزان به همکاری با پلیس تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری: تأثیر همه متغیرها و عوامل به جز متغیر اعتماد اجتماعی، رضایت از خدمات و عملکرد پلیس، روابط اجتماعی و پابندی به قوانین و مقررات بر فرهنگ مشارکت معنی‌دار شده است و می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در توسعه فرهنگ مشارکت دانش‌آموزان عوامل متعددی مؤثر می‌باشند، لذا با افزایش سطح هر یک از عوامل می‌توان فرهنگ مشارکتی را توسعه داد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ مشارکت، دانش‌آموز، پلیس، امنیت اجتماعی، چهارمحال و بختیاری.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، نویسنده مسئول: (h.moradi@iaushk.ac.ir)

۲- استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین

۳- کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی

۴- دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران.

مقدمه

از زمان‌های گذشته تاکنون، مشارکت از ابزارهای مهم و مطرح در زندگی انسان‌ها بوده است و پدیده نوینی محسوب نمی‌شود. می‌توان مشارکت را با مفاهیمی نظیر همکاری، مساعدت و یاری‌گری مرتبط دانست (شادی‌طلب، ۱۳۸۲: ۲۸). مشارکت، فعالیت داوطلبانه افراد برای تغییر خودخواسته، بهبود خود و زندگی و محیط و نهایتاً افزایش توانایی و عمل برای پاسخ به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه است (ترپسترا،^۱ ۲۰۰۸). کانون خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی بر پایه مشارکت استوار است و اهداف آن از طریق مشارکت اعضا محقق می‌شود. با گسترش معنایی مشارکت و راهیابی آن به عرصه‌های مختلف زندگی، امروزه سخن از آن است که مشارکت در تعیین سرنوشت مردم، حل معضلات و افزایش آگاهی آنها اهمیتی دو چندان یافته است.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر همواره درصدد رشد رفتارهای مشارکت جویانه مردم در حوزه امنیت عمومی بوده است. اهتمام نیروی انتظامی بر این پایه استوار شده است تا به اشکال گوناگون اعتماد شهروندان را نسبت به عملکرد خود، جلب و با نشان دادن کارآمدی، مشارکت مردم را در فعالیت‌های مربوط به حوزه نظم و امنیت افزایش دهد. از آنجایی که ارتقای امنیت اجتماعی در جامعه وظیفه‌ای همگانی است، این امر مشارکت همه اقشار جامعه را می‌طلبد. هر اندازه که مسئولین نیروی انتظامی و شهروندان تعامل بیشتری داشته باشند، به همان میزان عملکرد مطلوب‌تری در زمینه مشارکت شهروندان با نیروی انتظامی خواهند داشت. در ادیان و مذاهب گوناگون مشارکت زمینه‌ای برای کوشش‌های عبادی و سیاسی پیروان و مانند ابزاری نیرومند پذیرفته شده است. در روابط انسانی نیز مشارکت وسیله بسیار مناسبی برای ایجاد انگیزش، افزایش کارایی و تغییر وضع موجود است. بنابراین سوال اصلی تحقیق آن است که؛ چه عوامل مؤثری در توسعه فرهنگ مشارکت دانش‌آموزان با پلیس در ارتقای امنیت اجتماعی وجود دارد؟

بیان مسأله

مشارکت عمومی در حفظ، ایجاد و گسترش نظم و امنیت اجتماعی یکی از اهداف پلیس است که باید برای آن برنامه‌ریزی صحیحی انجام شود. پلیس در اجرای مأموریت‌های خود هر میزان هم که توان علمی، نیروی انسانی و تجهیزات را افزایش دهد، به تنهایی قادر به پیشگیری از وقوع جرم نیست و تنها راه پیش‌روی او، مشارکت مردمی است. مشارکت مردم و استفاده پلیس از این ظرفیت موجبات حفظ، ایجاد و گسترش نظم و امنیت اجتماعی را در جامعه فراهم می‌کند (محمدی، ۱۳۸۹؛ حسن‌آبادی، ۱۳۸۹؛ رجب‌زاده، ۱۳۸۹).

در این میان دانش‌آموزان که طیف وسیعی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند «۱۴ میلیون نفر» (روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸)، نقش زیادی در ارتقای امنیت اجتماعی خواهند داشت. از سوی پلیس برنامه‌هایی در راستای مشارکت دانش‌آموزان در برقراری نظم و امنیت انجام شده است که از جمله این برنامه‌ها می‌توان به اجرای طرح همیار پلیس، نواختن زنگ نظم و انضباط اجتماعی در مدارس، برگزاری مانورهای مختلف با مشارکت دانش‌آموزان و همچنین ترغیب و تشویق دانش‌آموزان به پذیرش مشاغل پلیسی اشاره کرد. باید توجه داشت که اجرای هر یک از این برنامه‌ها به صورت مقطعی و موقت کارساز است، بنابراین باید به دنبال راه حلی گشت که بتوان از آن طریق مشارکت دانش‌آموزان را در همکاری با نیروهای پلیس افزایش داد. متأسفانه به دلیل ناآشنایی از میزان مشارکت دانش‌آموزان با پلیس و ضعف برنامه‌ریزی مناسب جهت مشارکت، نمی‌توان انتظار زیادی برای مشارکت حداکثری داشت.

علی‌رغم اهمیتی که بحث مشارکت دانش‌آموزان در ایجاد، حفظ و گسترش نظم و امنیت اجتماعی دارد، اما تاکنون تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است. در این تحقیق سعی شده که ضمن بررسی وضعیت مشارکت دانش‌آموزان با پلیس، عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ مشارکت آنان را شناسایی شده تا نیروی پلیس با توجه به اهمیت دانش‌آموزان در آینده‌سازی کشور، بتواند مشارکت حداکثری آنان را در ارتقای امنیت اجتماعی به همراه داشته باشد.

با این توضیحات، مسأله اصلی تحقیق حاضر؛ تبیین تأثیر هر یک از عوامل مورد مطالعه بر فرهنگ مشارکت دانش آموزان با نیروی پلیس می‌باشد و به دنبال آن است تا سهم هر یک از عوامل را در توسعه فرهنگ مشارکت دانش آموزان با نیروی پلیس مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری تحقیق

نظریه مشارکت رابرت دال^۱: دال (۲۰۰۲) به عواملی اشاره دارد که بر مشارکت مردم تأثیر مستقیم دارند و در صورت بروز و تحقق آنها مشارکت ظهور خواهد کرد، این عوامل عبارتند از؛ فرد مشارکت کننده باید برای پاداش‌های حاصل از مشارکت، ارزشی قایل باشد؛ شیوه مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر شیوه‌ها مؤثرتر بداند؛ نسبت به دستیابی نتایج اطمینان لازم داشته باشد؛ برای مشارکت از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد؛ در هنگام ورود به مشارکت و در جریان مشارکت خود را با مشکلات و موانع زیاد مواجه نبیند، زیرا وقتی فردی از فعالیتی انتظار پاداش کلان داشته باشد، راغب خواهد بود که بر مشکلات موجود غلبه کند و حتی هزینه‌های آن را تحمل کند. کافی است که فرد ببیند و یا معتقد باشد که پاداش‌های عملش ناچیز بوده یا اصلاً وجود خارجی ندارند، در این صورت معمول‌ترین موانع و هزینه‌ها او را مایوس می‌کند و از عمل کردن باز می‌دارد (شایگان، ۱۳۸۸: ۶۹).

نظریه مشارکت وندال فرنچ^۲: فرنچ (۲۰۰۳) معتقد است، یکی از دلایل منطقی که باعث می‌شود اعضای یک نظام اجتماعی از برخی تصمیم‌ها، احساس رضایت کنند، این است که با مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری، اعضاء درمی‌یابند که بیشتر افراد نظام مایل به پذیرش تصمیم هستند. مشارکت در تصمیم‌گیری فرد را از میزان تعهد و توافق گروه آگاه می‌کند. اگر فرد از پشتیبانی افراد دیگر در مورد تصمیم اتخاذ شده آگاه باشد، احتمال رضامندی وی نیز بیشتر می‌شود. این در حالی است که در مشارکت به شکل سنتی آن، مشارکت‌جو تنها در اجرای یک محدوده فعالیت گروهی نقش دارد و عملاً از تصمیم‌گیری کنار گذاشته می‌شود. بنابراین رغبت و رضایت‌مندی چندان از مشارکت

1- Robert. A. Dahl

2- Vandal French

خود به دست نمی‌آورد و رضایتمندی کمتر باعث مشارکت و فعالیت کمتر او می‌شود (اکبری، ۱۳۸۳: ۳۵).

نظریه مشارکت میلبرات^۱: میلبرات (۱۹۶۵) سلسله مراتبی از مشارکت سیاسی را مطرح کرده است که از عدم درگیری تا گرفتن فعالیتی رسمی تغییر می‌کند. وی مردم را به سه گروه تقسیم می‌نماید؛ ۱. کسانی که غالباً در سیاست فعال هستند، ۲. تماشاگرها یا کسانی که کمتر خود را در سیاست درگیر می‌کنند، ۳. بی تفاوت‌ها یا کسانی که خود را در سیاست درگیر نمی‌کنند. در این نظریه چند شکل فعالیت سیاسی مطرح است که عبارتند از؛ فعالیت قهرمانانه شامل شرکت در جلسه تدوین راهبرد و نقشه برای گروهی خاص، عضویت فعال و شرکت در پیکار سیاسی؛ فعالیت‌های انتقالی شامل شرکت در اجتماعات خاص و تماس با یک صاحب‌نظر؛ فعالیت‌های ناظر شامل تلاش برای گفتگو با دیگران برای برپا کردن بحث سیاسی، رأی دادن و خود را در معرض یک انگیزه سیاسی قرار دادن (اسکوگان^۲، ۱۹۹۶).

نظریه مشارکت فیش باین- آیزن^۳: نظریه فیش باین- آیزن (۱۹۷۵) از کارآمدترین نظریه‌ها در تبیین مشارکت است که با به‌کارگیری آن در تبیین مشارکت، متغیرهای اصلی مؤثر بر میزان مشارکت مشخص می‌شود. فیش باین- آیزن در پی یافتن یک نظریه برای تبیین رفتار، به نقش گرایش اشاره می‌کنند. به نظر آنها، رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید، حلقه ما قبل بروز رفتار، «قصد و نیت» و هنجار ذهنی است. به وجود آمدن قصد و نیت نیز به نوبه خود تابع دو متغیر «گرایش به سوی رفتار» و «هنجار ذهنی» است. در این نظریه، گرایش به نوبه خود تابع دو عامل؛ «انتظار فایده» و «ارزیابی فایده» در نظر گرفته شده است. انتظار فایده به معنی آن است که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد. این عامل مستقیماً با میزان سرو کار داشتن و نیز شناخت فرد از پدیده مورد نظر و نیز میزان درک وی از اهمیت آن ارتباط دارد. در ارزیابی فایده که معنی آن نسبتاً روشن است، شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده برای او فایده‌ای در برداشته یا نه؟ در این نظریه، هنجار ذهنی منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی شخص برای انجام یک رفتار است. بدین معنی که

1 - Lester Milbrath

2- Skogan

3 - Aizen & Fishbein

شخص به این که تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا توبیخ افراد یا گروه‌های خاصی قرار خواهد گرفت، توجه دارد. این افراد یا گروه‌ها در واقع نقش مرجع هدایت‌کننده رفتار را دارند که ممکن است پدر و مادر، دوستان نزدیک، همکاران و همسالان یا اهالی محل باشند و اصطلاحاً در جامعه‌شناسی به آنها «دیگران مهم» گفته می‌شود. متغیر هنجار ذهنی خود به دو عامل دیگر تجزیه می‌شود؛ چگونگی ارزیابی یک رفتار خاص از سوی دیگران از نظر فرد و انگیزه فرد برای پیروی از انتظارات دیگران، یعنی آیا اصلاً ارزیابی دیگران در مورد پدیده یا رفتار مورد نظر برای فرد مهم است یا نه (رفعی‌پور، ۱۳۷۲: ۹-۱۱). اقدام به مشارکت هنگامی انجام می‌شود که نیت فرد برای مشارکت شکل گرفته است و او انگیزه کافی برای مشارکت دارد، همچنین امکان مشارکت برای فرد خواهان آن فراهم باشد. هر یک از این دو عامل تحت تأثیر عوامل دیگری تعیین می‌شوند.

نخستین سازه مؤثر بر قصد به مشارکت، اطلاعات فرد در مورد مشارکت است. حداقلی از دانش در مورد یک پدیده یا رفتار لازم است تا ذهن فرد نسبت به آن کنجکاو شود و بتواند آن را موضوع احساسات مثبت یا منفی خود قرار دهد. علاوه بر درک معنی مشارکت، لازم است نسبت به انواع ممکن آن نیز شناخت نسبی حاصل شود. سومین عامل مؤثر در شکل‌گیری انگیزه‌های درونی مشارکت، ارزشمند دانستن پیامدهای متصور برای مشارکت است. می‌توان دو سازه مهم دیگر یعنی تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت و میزان علاقه فرد به برآوردن توقعات دیگران را در این زمینه مؤثر دانست. عامل دیگری که می‌تواند نقش تسهیل‌کننده و یا مانع را در ایجاد انگیزه مشارکت بازی کند، سوابق فرد در زمینه مشارکت است. مشاهدات تأیید می‌کنند که افراد دارای سابقه مشارکت در امری خاص معمولاً برای تکرار آن انگیزه بیشتری دارند، البته اگر مشارکت قبلی افراد پاداش مناسب اجتماعی در پی داشته باشد. در صورت مساعد بودن عوامل فوق، قصد مشارکت در فرد پدید می‌آید، اما تنها قصد و نیت برای اقدام به مشارکت کافی نیست، بلکه وجود امکان و اوضاع لازم برای اقدام نیز ضرورت دارد (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۲۴).

پیشینه تحقیق

ضمن بررسی‌های به عمل آمده از بانک‌های اطلاعاتی در خصوص موضوع مشارکت با پلیس، پژوهش‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است.

اسکوگان (۱۹۹۶) در تحقیقی با عنوان «مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی» به این نتایج رسید که آگاهی از فرصت‌ها برای مشارکت، تفاوت معنی‌داری با نواحی که این طرح در آنجا اجرا نشده است، دارد. این آگاهی از طریق جلسات و برنامه‌های خاصی که پلیس در ۱۲ ماه اجرا کرده بود، به دست آمد. با وجود این سطوح مشارکت سازمان یافته در این نواحی تفاوت معنی‌داری با ناحیه‌ای که این برنامه‌ها در آن اجرا نشده بود، نداشت و تغییر چندانی نکرده بود (اسکوگان، ۱۹۹۶: ۷۴۱-۷۲۱).

خوش‌فر (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی» به روش پیمایشی و بر روی افراد ۲۰ سال به بالای ساکن در مراکز شهرستان‌های استان مازندران به این نتایج دست یافت؛ بیشترین مشارکت پاسخگویان در بُعد ایجاد امنیت و کمترین آنها در بُعد گسترش امنیت بوده است و مشارکت در تأمین امنیت در بین گروه‌های شغلی یکسان است (خوش‌فر، ۱۳۸۴: ۲۹۳-۲۵۷).

نماین و جلالی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «امنیت عمومی در پرتو مشارکت عمومی» به روش پیمایشی و با هدف تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور ناجا، راهکارهایی چون آگاهی‌بخشی، وضوح مسئولیت‌ها، برانگیختن وجدان اخلاقی و اجتماعی جهت جلب مشارکت عمومی در توسعه امنیت اجتماعی را ارایه دادند (نماین و جلالی، ۱۳۸۵: ۸۴-۵۷).

شرافتی‌پور (۱۳۸۶) در نتایج تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت مردم در حوزه امنیت عمومی با تکیه بر نقش پلیس» عنوان می‌کند که؛ چنانچه تعامل پلیس و مردم از نوع گرم و متقارن باشد و مردم نتایج مشارکت خود را سودمند تلقی کنند، با واحدهای مختلف ناجا بیشتر همکاری می‌کنند. این موضوع موجب پیشبرد اهداف ناجا در حوزه امنیت عمومی خواهد بود (شرافتی‌پور، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۵).

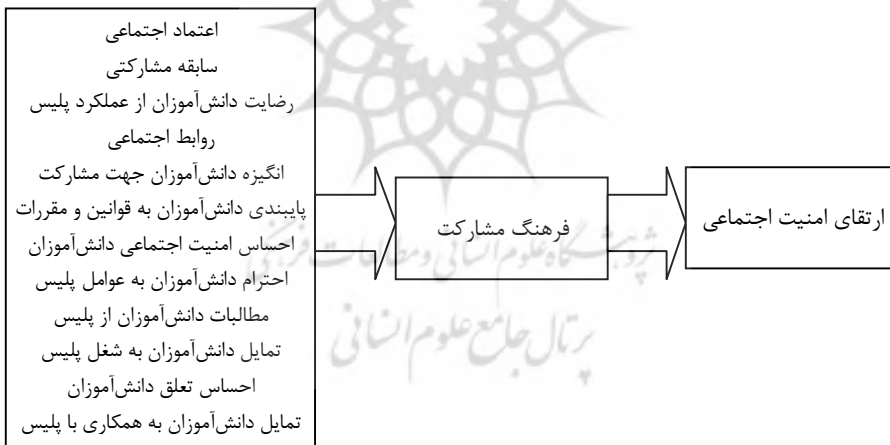
خورشیدوند (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان؛ «بررسی نقش مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در برقراری نظم و امنیت» به این نتایج رسید که مشارکت عمومی در نظام جمهوری اسلامی حائز اهمیت بوده و بستر مناسب برای این مشارکت فراهم است. وجود سازمان‌ها با علوم و ضوابط معین، می‌تواند شرایطی را برای هدایت این مشارکت‌ها فراهم کند، با این حال متأسفانه سازوکارها و مقررات مناسب ایجاد نشده است. از سویی به

دلیل تضاد و برداشت‌های متفاوت از مفهوم مشارکت و نیز سلايق مسئولان در نوع نگاه به این گونه انجمن‌ها، استفاده بهینه از آن‌ها نمی‌شود (خورشیدوند، ۱۳۸۸: ۴۲-۳۳).

در تحقیق شایگان (۱۳۸۸) با عنوان؛ «نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب مشارکت مردم جهت برقراری نظم و امنیت» مشخص شد که سرمایه اجتماعی پلیس، حضور و مشارکت او در فعالیت‌های محل، همکاری پلیس با مردم خصوصاً در ساعات غیر اداری و میزان احترامی که مردم به پلیس می‌گذارند، همگی تأثیر بسزایی در افزایش همکاری و مشارکت مردم با پلیس دارد و همبستگی ۸۸ درصدی بین متغیرها، تأیید کننده آماری این رابطه است. پیشنهاد ایشان تلاش در راستای افزایش سرمایه اجتماعی پلیس و ایجاد زمینه بیشتر برای احترام به پلیس است (شایگان، ۱۳۸۸: ۷۹-۵۹).

مدل مفهومی

از مدل مفهومی زیر می‌توان به‌منظور تبیین تأثیر عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ مشارکت با نیروی پلیس استفاده کرد:



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

فرضیات تحقیق

با توجه به مدل مفهومی تحقیق، در این مقاله فرضیات زیر مورد آزمون قرار گرفته است:

- بین اعتماد اجتماعی دانش‌آموزان با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین سابقه مشارکتی دانش‌آموزان با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین رضایت دانش‌آموزان از عملکرد پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین روابط اجتماعی دانش‌آموزان با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین انگیزه دانش‌آموزان جهت مشارکت با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین پایبندی دانش‌آموزان به قوانین و مقررات با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین احترام دانش‌آموزان به عوامل پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین مطالبات دانش‌آموزان از پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین تمایل دانش‌آموزان به شغل پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- بین احساس تعلق دانش‌آموزان به محل سکونت با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین تمایل دانش‌آموزان به همکاری با پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ طرح تحقیقی در زمره طرح‌های توصیفی به حساب می‌آید و از نظر نوع کاربردی است. ضمناً از آنجایی که به تحلیل وضعیت و توصیف منظم مشارکت دانش‌آموزان در مقطع زمانی حاضر و به صورتی واقعی می‌پردازد، از نوع پیمایشی^۱ است. جامعه آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی و متوسطه استان چهارمحال و بختیاری تشکیل می‌دهد. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز درباره افراد جامعه در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای^۲ استفاده شد. برای تعیین حجم نمونه از آماره مجذور کای کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) استفاده شد. با انجام محاسبات مربوطه حجم نمونه مورد نیاز برابر ۲۱۰ نفر برآورد گردید.

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در این تحقیق از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. برای تدوین سوال‌های پرسشنامه و تعیین روایی، با نظرخواهی از متخصصان آموزشی و انتظامی پرسشنامه نهایی، تدوین شد. برای محاسبه پایایی پرسش‌نامه نیز از روش برآورد ضریب آلفای کرونباخ^۳ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای سوالات مربوط به عوامل مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان برابر ۰/۷۹ و سوالات مربوط به گرایش‌های مشارکتی آنان برابر ۰/۷۷ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استنتاج از آنها علاوه بر شاخص‌های توصیفی، برای آزمون فرضیات تحقیق از تحلیل همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده

1 - Survey Research

2 - Multistage Sampling

3 - Cronbachs Coefficient Alpha

شده است. ضمناً تمامی محاسبات آماری با نرم‌افزار آماری SPSS انجام شده است. در ادامه یافته‌های تحقیق ارائه شده است.

یافته‌های توصیفی

۵۸ درصد از دانش‌آموزان دارای اعتماد اجتماعی؛ ۶۰ درصد دارای سابقه مشارکت؛ ۶۲ درصد رضایت‌مند از عملکرد پلیس؛ ۵۰ درصد از ارتباطات اجتماعی؛ ۵۰ درصد دارای انگیزه‌های بالایی برای مشارکت؛ ۵۳ درصد پایبند به قوانین و مقررات؛ ۴۰ درصد از احساس امنیت اجتماعی؛ ۴۶ درصد احترام به پلیس؛ ۵۸ درصد مطالبات از پلیس؛ ۴۴ درصد تمایل به پذیرش شغل پلیس و ۵۰ درصد دارای احساس تعلق زیادی به محل سکونت خود در حد زیاد و خیلی زیاد هستند.

یافته‌های استنباطی

در جدول شماره یک، نتایج مربوط به آزمون فرضیات تحقیق آمده است و در ادامه نیز نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرهای پیش‌بین بر توسعه فرهنگ مشارکت دانش‌آموزان با پلیس نشان آمده است.

همان‌گونه که نتایج جدول شماره یک نشان داده شده است، رابطه بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، سابقه مشارکتی، رضایت دانش‌آموزان از عملکرد پلیس، روابط اجتماعی، انگیزه دانش‌آموزان جهت مشارکت، پایبندی دانش‌آموزان به قوانین و مقررات، احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان، احترام دانش‌آموزان به عوامل پلیس، مطالبات دانش‌آموزان از پلیس، تمایل دانش‌آموزان به شغل پلیس، احساس تعلق دانش‌آموزان و تمایل دانش‌آموزان به همکاری با پلیس با فرهنگ مشارکت معنی‌دار شده است و می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در توسعه فرهنگ مشارکت دانش‌آموزان همه عوامل بالا مؤثر می‌باشند.

جدول ۱: نتایج آزمون فرضیات تحقیق

معنی‌داری	ضریب	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
/۰۰۰	/۲۶۹	گرایش به مشارکت	اعتماد اجتماعی
/۰۰۰	/۵۵۷	گرایش به مشارکت	سابقه مشارکتی
/۰۰۰	/۳۰۸	گرایش به مشارکت	رضایت از خدمات و عملکرد پلیس
/۰۰۰	/۵۵۰	گرایش به مشارکت	روابط اجتماعی

معنی داری	ضریب	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
/۰۰۰	/۴۲۸	گرایش به مشارکت	انگیزه عاطفی
/۰۰۰	/۳۴۱	گرایش به مشارکت	پایبندی به قوانین و مقررات
/۰۰۰	/۴۵۷	گرایش به مشارکت	احساس امنیت
/۰۰۰	/۵۷۸	گرایش به مشارکت	احترام به عوامل پلیس
/۰۰۰	/۵۱۱	گرایش به مشارکت	مطالبات دانش‌آموزان از پلیس
/۰۰۰	/۶۵۸	گرایش به مشارکت	تمایل دانش‌آموزان به پذیرش شغل پلیس
/۰۰۰	/۵۶۴	گرایش به مشارکت	احساس تعلق به محل سکونت
/۰۰۰	/۶۵۲	گرایش به مشارکت	تمایل به همکاری با پلیس

در جدول شماره دو، خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرهای اعتماد اجتماعی، سابقه مشارکتی، رضایت دانش‌آموزان از عملکرد پلیس، روابط اجتماعی، انگیزه دانش‌آموزان جهت مشارکت، پایبندی دانش‌آموزان به قوانین و مقررات، احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان، احترام دانش‌آموزان به عوامل پلیس، مطالبات دانش‌آموزان از پلیس، تمایل دانش‌آموزان به شغل پلیس، احساس تعلق دانش‌آموزان و تمایل دانش‌آموزان به همکاری با پلیس بر فرهنگ مشارکت آمده است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، ضریب تعیین^۱ ۳۰۸۰/ نشان می‌دهد که ۳۰/۸۰ درصد از تغییرات مربوط به فرهنگ مشارکت دانش‌آموزان با پلیس با متغیرهای بالا توضیح داده می‌شود و بقیه تغییرات به متغیرهای خارج از این تحقیق ارتباط دارد. در جدول شماره دو، همچنین ضرایب رگرسیونی متغیرها آمده است، با توجه به ستون معنی‌داری ملاحظه می‌شود که فقط تأثیر متغیر بر فرهنگ مشارکت دانش‌آموزان معنی‌دار است و تأثیر سایر متغیرها به لحاظ آماری معنی‌دار نشده است. به نظر می‌رسد که نتایج مندرج در جدول شماره دو با نتایج جدول شماره یک در تناقض باشند اما باید توجه داشت که در جدول شماره یک ارتباط متغیرها با آزمون همبستگی معنی‌دار شده اما در تحلیل رگرسیون تأثیر از لحاظ آماری معنی‌دار نشده است.

جدول شماره ۲: ضرایب رگرسیونی متغیرها

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب Beta	t	معنی داری
(ثابت)				۱/۸۵۲	/۰۰۰
اعتماد اجتماعی			/۱۰۵	۳/۰۳۴	/۳۰۳
سابقه مشارکتی			/۴۰۹	۴/۸۸۱	/۰۰۰
رضایت از خدمات و عملکرد پلیس			/۲۰۲	۵/۴۵۶	/۰۵۶
روابط اجتماعی			/۰۲۳	۶/۵۲۰	/۶۰۳
انگیزه عاطفی			/۳۶۷	۴/۵۲۰	/۰۰۰
پایبندی به قوانین و مقررات	/۵۵۵	/۳۰۸۰	/۲۱۳	۴/۰۵۲	/۰۵۹
احساس امنیت			/۳۸۹	۳/۷۱۹	/۰۰۰
احترام به عوامل پلیس			/۴۱۱	۴/۹۸۰	/۰۰۰
مطالبات دانش آموزان از پلیس			/۴۰۳	۳/۴۸۰	/۰۰۰
تمایل دانش آموزان به پذیرش شغل پلیس			/۴۲۱	۴/۱۵۰	/۰۰۰
احساس تعلق به محل سکونت			/۳۰۹	۵/۰۲۰	/۰۰۰
تمایل به همکاری با پلیس			/۴۱۸	۴/۲۸۴	/۰۰۰

لذا اگر بخواهیم با توجه به ضرایب (Beta) معادله خط رگرسیونی را بنویسیم، به صورت زیر خواهد شد:

$$y = /421(Shoghl) + /418(Hamkari) + /411(Ehteram) + /409(Sabegheh) + /389(Amniat) + /309(Taa \log h)$$

تحلیل تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر زمینه‌های مشارکت دانش‌آموزان

در جداول شماره سه تا هفت، خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی تمامی متغیرهای پیش‌بین بر هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های متغیر ملاک (زمینه‌های مشارکت) که معنی‌دار شده‌اند، آمده است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد:

- ۲۷/۸ درصد از تغییرات مربوط به متغیر گرایش دانش‌آموزان به شرکت در جلسات امنیتی به وسیله متغیرهای تصور از قضاوت دیگران در مورد مشارکت، سابقه مشارکتی و نوع نگرش به همکاری با پلیس تبیین می‌شود. بقیه تغییرات با متغیرهای خارج از این تحقیق توضیح داده می‌شوند.

- ۳۱/۶ درصد از تغییرات مربوط به متغیر گرایش دانش‌آموزان به مشارکت و به اظهارنظر در مورد مسایل امنیتی به وسیله متغیرهای پایبندی به قوانین و مقررات و احساس تعلق به محل سکونت تبیین می‌شود. بقیه تغییرات با متغیرهای خارج از این تحقیق توضیح داده می‌شوند.

- ۴۰/۸ درصد از تغییرات مربوط به متغیر گرایش دانش‌آموزان به وسیله کمک‌های مالی به پلیس با متغیر احترام به پلیس، مطالبات دانش‌آموزان از پلیس، احساس تعلق و نوع نگرش دانش‌آموزان به همکاری با پلیس تبیین شده است. بقیه تغییرات با متغیرهای خارج از این تحقیق توضیح داده می‌شوند.

- ۲۹/۵ درصد از تغییرات مربوط به متغیر گرایش دانش‌آموزان به مشارکت و مسئولیت‌پذیری با متغیر حمایت پلیس از دانش‌آموزان و احساس تعلق به محل سکونت مربوط می‌شود و بقیه تغییرات با متغیرهای خارج از این تحقیق توضیح داده می‌شوند.

- ۴۰/۴ درصد از تغییرات مربوط به متغیر گرایش دانش‌آموزان به تشویق دیگران جهت مشارکت با پلیس با متغیر حمایت پلیس از دانش‌آموزان و احساس تعلق مربوط می‌شود و بقیه تغییرات با متغیرهای خارج از این تحقیق توضیح داده می‌شوند.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرها بر بعد شرکت در جلسات امنیتی

معنی داری	ثابت	ضریب B	بتا	R تبیین شده	متغیر
/۰۴۹	۰۶۸/۱	/۰۹۱	/۱۵۰	۰/۲۷۸	تصور از قضاوت دیگران در مورد مشارکت
/۰۱۳		/۱۷۸	/۱۶۹		سابقه مشارکتی
/۰۳۱		/۰۹۱	/۱۶۶		نوع نگرش به همکاری با پلیس

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرها بر بعد اظهار نظر در خصوص مسایل امنیتی

معنی داری	ثابت	ضریب B	بتا	R تبیین شده	متغیر
/۰۰۷	۵۰۵/۱	/۱۷۷	/۱۹۶	۰/۳۱۶	پایبندی به قوانین و مقررات
/۰۰۵		/۱۹۲	/۲۱۵		احساس تعلق به محل سکونت

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرها بر بعد کمک و مساعدت به پلیس

معنی داری	ثابت	ضریب B	بتا	R تبیین شده	متغیر
/۰۰۱	۱۴۰۶	/۲۳۱	/۲۲۰	۰/۴۰۸	احترام به پلیس
/۰۱۰		-/۱۷۰	-/۲۱۳		مطالبات دانش آموزان از پلیس
/۰۰۱		/۲۶۷	/۲۵۱		احساس تعلق به محل سکونت
/۰۳۶		/۱۳۷	/۱۴۶		نوع نگرش به همکاری با پلیس

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرها بر بعد مسئولیت پذیری

معنی داری	ثابت	ضریب B	بتا	R تبیین شده	متغیر
/۰۰۴	۱۵۲۱	/۲۴۸	/۲۲۸	۱/۲۹۵	حمایت پلیس از دانش آموزان
/۰۳۰		/۱۷۵	/۱۷۰		احساس تعلق به محل سکونت

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرها بر بعد تشویق دیگران به مشارکت

معنی داری	ثابت	ضریب B	بتا	R تبیین شده	متغیر
/۰۱۸	۱۴۴۹	/۱۸۰	/۱۷۳	۱/۴۰۴	حمایت پلیس از دانش آموزان
/۰۰۰		/۳۱۱	/۳۱۶		احساس تعلق به محل سکونت

بحث و نتیجه گیری

در رابطه با فرضیه اول (بین اعتماد اجتماعی دانش آموزان با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی داری وجود دارد) نتایج نشان داد که هر اندازه اعتماد اجتماعی دانش آموزان به پلیس بالاتر باشد گرایش آنان به مشارکت با پلیس بیشتر خواهد شد، در نتیجه فرهنگ مشارکت با پلیس توسعه خواهد یافت.

در رابطه با فرضیه دوم (بین سابقه مشارکتی دانش‌آموزان با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.) نتایج نشان داد که هر اندازه سابقه مشارکتی دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و با پلیس بیشتر باشد، گرایش آنان به مشارکت با پلیس بیشتر خواهد شد، در نتیجه فرهنگ مشارکت با پلیس توسعه خواهد یافت.

در رابطه با فرضیه سوم (بین رضایت دانش‌آموزان از عملکرد پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.) نتایج نشان داد که هر اندازه رضایتمندی دانش‌آموزان از خدمات و عملکرد نیروی پلیس بیشتر باشد، به همان میزان گرایش و تمایل بیشتری به مشارکت با پلیس دارند. هر اندازه پلیس در ارائه خدمات با افراد جامعه عملکرد مطلوب‌تری داشته باشد، تمایل افراد جامعه به مشارکت اجتماعی افزایش خواهد یافت. لازمه این کار این است که پلیس بتواند ارزیابی درستی از عملکرد خود در سطح جامعه داشته باشد.

در رابطه با فرضیه چهارم (بین روابط اجتماعی دانش‌آموزان با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.) نتایج نشان داد که هر اندازه دانش‌آموزان روابط اجتماعی بالاتری داشته باشند، گرایش بیشتری به مشارکت با پلیس دارند.

در رابطه با فرضیه پنجم (بین انگیزه دانش‌آموزان جهت مشارکت با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.)، نتایج نشان داد که «انگیزه‌های عاطفی» دانش‌آموزان می‌تواند عامل مهمی در مشارکت دانش‌آموزان با پلیس باشد. بدین صورت که هر اندازه دانش‌آموزان برای پیامدها و تأثیراتی که مشارکت با پلیس برای آنان به همراه دارد ارزش قایل باشند، به همان اندازه تأثیر انگیزه‌های آنان برای مشارکت اجتماعی بهبود خواهد یافت.

در رابطه با فرضیه ششم (بین پایداری دانش‌آموزان به قوانین و مقررات با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد.) نتایج نشان داده است که پایداری دانش‌آموزان به قوانین و مقررات موجود عامل مهمی در راستای افزایش مشارکت حداکثری دانش‌آموزان با نیروهای پلیس خواهد بود. لازمه هرگونه مشارکت اجتماعی در امر برقراری نظم و امنیت و ارتقای امنیت اجتماعی آن است که افراد

جامعه خود با قوانین و مقررات آشنایی داشته باشند و خود را موظف به رعایت این قوانین و مقررات بدانند.

در رابطه با فرضیه هفتم (بین احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد)، نتایج نشان داد که هر اندازه دانش‌آموزان احساس امنیت اجتماعی بیشتری داشته باشند، مشارکت بیشتری با نیروی پلیس خواهند داشت.

در رابطه با فرضیه هشتم (بین احترام دانش‌آموزان به عوامل پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد)، نتایج نشان داد که هر اندازه دانش‌آموزان برای پلیس احترام قایل باشند، به همان اندازه نیز مشارکتشان با عوامل پلیس افزایش خواهد یافت. بنابراین میزان ارزشی که دانش‌آموزان برای عظمت و ارزش‌های اخلاقی پلیس قایلند، عامل مهمی در افزایش مشارکت آنان برای ارتقای امنیت اجتماعی است.

در رابطه با فرضیه نهم (بین مطالبات دانش‌آموزان از پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد)، نتایج نشان داد که هر اندازه دانش‌آموزان مطالبات بیشتری از نیروی پلیس داشته باشند، مشارکت بیشتری نیز با نیروی پلیس خواهند داشت.

در رابطه با فرضیه دهم (بین تمایل دانش‌آموزان به شغل پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد)، نتایج نشان داد که هر اندازه دانش‌آموزان تمایل بیشتری به پذیرش شغل پلیس داشته باشند، مشارکت بیشتری با نیروی پلیس خواهند داشت.

در رابطه با فرضیه یازدهم (بین احساس تعلق دانش‌آموزان به محل سکونت با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد)، همان گونه که از نتایج بر می‌آید، احساس تعلق دانش‌آموزان به محل سکونت و جایی که در آن به سر می‌برند از عوامل اثرگذار بر مشارکت آنان با پلیس خواهد بود. اینکه دانش‌آموزان احساس کنند به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تعلق دارند گرایش آنها به اینکه با پلیس مشارکت

کنند را بالا خواهد برد. هر اندازه فرد خود را به محیطی که به آن تعلق دارد و در آن زندگی می‌کند، پایبند بداند، تمایل بیشتری به مشارکت اجتماعی خواهند داشت.

در رابطه با فرضیه دوازدهم (بین تمایل دانش‌آموزان به همکاری با پلیس با توسعه فرهنگ مشارکت با پلیس رابطه معنی‌داری وجود دارد). نتایج نشان داده که نوع نگرش دانش‌آموزان به همکاری و مشارکت با پلیس نیز می‌تواند عاملی مهم در تعیین گرایش آنان به مشارکت با پلیس باشد. تمایل دانش‌آموزان به اجرای وظایفی که از سوی پلیس ارایه می‌شود، می‌تواند عاملی مهم در راستای افزایش مشارکت دانش‌آموزان باشد.

نتایج تحقیق حاضر با نتایج حاصل از مطالعات اسکات (۲۰۰۳)، هاگ و رو (۲۰۰۷)، کارینان (۲۰۱۰)، خوش فر (۱۳۸۴)، نامیان و جلالی (۱۳۸۵)، شرافتی پور (۱۳۸۶)، اسکوگان (۲۰۰۶)، خورشیدوند (۱۳۸۸) و شایگان (۱۳۸۸) که عوامل متعددی را بر توسعه مشارکت با پلیس ارایه دادند، همسو و هم جهت بوده و نتایج آن‌ها را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

افزایش کارآیی پلیس به عنوان یک سازمان خدماتی رسمی از یک سو و تقویت ارتباطات متقابل مردم و پلیس از سوی دیگر، با افزایش مشارکت مردم در امور مربوط به پلیس در حفظ نظم و امنیت عمومی رابطه دارد، بنابراین لازم است که در برنامه‌های پلیس به آن دسته از عوامل اجتماعی-روانی که به نحوی در میزان مشارکت مردم در امور اجتماعی به طور اعم و امور مربوط به نیروی انتظامی به طور اخص تأثیر می‌گذارند، توجه شود. همچنین از کلیه امکانات و منابع موجود و ممکن در سطح جامعه برای ارتقای فعالیت پلیس، ارتقای سطح دانش و مهارت‌های حرفه‌ای پلیس، بالا بردن سطح دانش اجتماعی مردم به ویژه دانش‌آموزان که قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، خصوصاً آگاهی آنان از قوانین و مقررات اجتماعی و نظایر آن به منظور تسریع و تسهیل جریان‌ات مربوط به همکاری متقابل مردم و نیروی انتظامی استفاده کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، توصیه‌ها و پیشنهادهای زیر به منظور تقویت مشارکت متقابل دانش‌آموزان و نیروی انتظامی و افزایش کارآیی و بهبود کیفیت عملکرد پلیس خصوصاً در خدمت‌رسانی و تأمین نظم و ارتقای امنیت اجتماعی قابل عرضه است. پیشنهادهای ارایه شده با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق عبارتند از:

- لازم است پلیس با تدارک برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی در مدارس کشور، دانش‌آموزان را با پیامدها و تأثیرات مثبت مشارکت با پلیس، آشنا کند.
- لازم است تا پلیس موانع قانونی را که بر سر راه مشارکت دانش‌آموزان قرار دارد از میان بردارد و ضمن معرفی زمینه‌هایی که دانش‌آموزان می‌توانند با پلیس مشارکت داشته باشند، اقدام مهمی در این مورد انجام دهد.
- لازم است تا پلیس با مشارکت همه دست‌اندرکاران آموزشی نسبت به تقویت احساس مشارکت و مسئولیت‌پذیری و تعامل دانش‌آموزان از طریق تدوین برنامه‌های آموزنده اقدام نماید تا از این طریق بتواند دانش‌آموزان را با ابعاد مشارکت آشنا کند.
- لازم است تا عوامل پلیس برخی قوانین و مقرراتی را که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند در قالب بروشور، پوستر، ابلاغیه، بخش نامه و... تهیه و در اختیار مدارس و آموزشگاه‌های کشور قرار دهند تا از این طریق دانش‌آموزان را با قوانین و مقررات آشنا کرده و آنان را نسبت به رعایت این قوانین، ملزم و حساس کنند.
- لازم است تا دست‌اندرکاران نظام آموزشی و عوامل پلیس با مشارکت یکدیگر برنامه‌هایی را در جهت اینکه دانش‌آموزان را نسبت به محل سکونت خود و شهری که در آن به سر می‌برند، حساس نمایند و ضمن از میان برداشتن حس بی‌تفاوتی نسبت به شهر و محل سکونت خود، احساس تعلق آنها را افزایش دهند.
- علاوه بر این پیشنهاد می‌شود تا مسئولان پلیس در جلساتی که با هدف تأمین نظم و امنیت اجتماعی برگزار می‌کنند، دانش‌آموزان و یا نمایندگان از دانش‌آموزان را دعوت کنند و اجازه اظهارنظر را در مورد مسایل امنیتی به آنان بدهند.

منابع

- احمدی، اصغر؛ توکلی، محمود(۱۳۸۸). بررسی میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری. فصل نامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران. سال اول، شماره ۲.
- اسکوگان، وسلی، جی(۱۹۹۶). مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی. کتاب سال امنیت اجتماعی، ترجمه ابراهیم مسعود نیا(۱۳۷۶)، تهران: نشر آشنایی.
- اکبری، حسن (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حسن آبادی(۱۳۸۹). تنها راه مشارکت مردمی است. برگرفته از پایگاه الکترونیکی پلیس به آدرس: (www. Police.ir).
- خورشیدوند، رحیمی(۱۳۸۸). بررسی نقش مشارکت سازمان های مردم نهاد در برقراری نظم و امنیت. دو ماهنامه توسعه منابع انسانی پلیس، شماره ۲۵، سال ۶.
- خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۴). بررسی مشارکت مردم در گسترش امنیت اجتماعی. مقالات همایش امنیت اجتماعی. معاونت اجتماعی ناجا. انتشارات گلپونه.
- رجب‌زاده، عزیز الله(۱۳۸۹). مشارکت مردم ضامن امنیت است. برگرفته از پایگاه الکترونیکی پلیس به آدرس: (www. Police.ir).
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- روابط عمومی ناجا(۱۳۸۹). مفهوم امنیت اجتماعی. برگرفته از پایگاه الکترونیکی پلیس به آدرس: (www. Police.ir).
- روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش(۱۳۸۹). آمار دانش‌آموزی کشور. تهران: معاونت طرح و برنامه وزارت آموزش و پرورش.
- شادی طلب، رضا(۱۳۸۲). مشارکت در امور شهری. تهران: معاونت شهرداری تهران.
- شایگان، فریبا(۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت. فصل نامه نظم و امنیت انتظامی. سال دوم، شماره ۱، صص ۷۸-۵۹.
- علوی تبار، علیرضا(۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت کارکنان در اداره امور شهرها. تجارب جهانی و ایران. جلد اول، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری.
- محمدی، غفار(۱۳۸۹). مشارکت مردم با پلیس امنیت را به دنبال دارد. خبرگزاری حوزه تخصصی دین، چهارشنبه ۱۱ مهرماه.

- نمامیان، پیمان؛ جلالی، محمود (۱۳۸۵). امنیت عمومی در پرتو مشارکت عمومی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. معاونت اجتماعی پلیس جمهوری اسلامی ایران. سال دوم، شماره ۴ و ۵، صص ۸۴-۵۷.
- Hughes, G, Michael Rowe. (2007). neighborhood policing and community safety : researching the instabilities of the local governance of crime , disorder and charity in contemporary UK . Criminology and criminal justice, vol. 7.
- Kaarianen, jaha, t, (2010). trust in the police in European countries , European countries , European society of criminology, vol , 4 , 409-434 .
- Scott, J, D (2003). Assessing the relationship between police – community co production justice, vol. 18. No 2.
- Terpstra, j, (2008). police, local government , and citizen as participants in local security networks . Police practice and research, volume 9, issue 3, July.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی